

بررسی کوتاهی از ذی القربی در قرآن و سنت و تاریخ

علی اکبر حسنی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

چکیده:

از آنجا که واژه ی ذی القربی در لغت به معنای خویشاوند نزدیک است و در قرآن زیاد بکار رفته است و از جمله در سوره شوری آیه ۲۳ و مودت آنان به عنوان مزد رسالت پیامبر (ص) یاد شده است. با آنکه تمام انبیا از جمله پیامبر اسلام، با صراحت می گویند از شما اجر و مزدی نمی خواهیم و اجر ما تنها بر خداوند است:
در اینجا مودت ذی القربای به عنوان مزد رسالت مطالبه شده و آنرا الزامی و نفع همه خواننده است.
پس باید روشن شود که :

- ۱- این خویشاوند کیانند. تمامی خویشان نسبی و سببی اند و یا افراد ویژه و خاصی؟
- ۲- از چه ملت و مردمی مطالبه اجر و مزد شده است. مشرک و کافر یا امت اسلامی؟
- ۳- این مزد و اجر چیست مادی است یا معنوی؟
- ۴- چرا به نفع مطالبه شوندگان است نه نفع مطالبه کننده یعنی پیامبر (ص).
- ۵- چرا همه انبیا، اجر را از خدا خواسته اند و فقط پیامبر (ص) آنرا از مردم مطالبه کرده است؟
- ۶- چه رابطه ای میان این مطالبه اجر، با ختم نبوت و رسالت و تداوم عملی و عینی آن پس از رحلت پیامبر (ص) است.
در این مقاله سعی شده است به این پرسش ها پاسخ داده شود از نظر لغت، حدیث، تاریخ و تفسیر روشن شود که:
- این تقاضا از مشرکان مکه نبوده است. چون آنان نه تنها برای رسالت پیامبر (ص) ارزش قائل نبودند، بلکه آنرا دروغ و کار سفیهانه و سحر و تعلیمات جن (معلم مجنون) می خواندند. پس معنا ندارد که پیامبر (ص) از آنها مزد رسالت بخواهد.
- علاوه این آیه در مدینه نازل شده نه مکه ... و تمامی خویشان نسبی و سببی دور و نزدیک و حتی انصار مدینه بهمین جهت و جهات دیگر نمی تواند مراد باشد.

- نخواستن اجر و مزد از طرف همه انبیا ؑ و حتی پیامبر (ص) همان اجر مادی است و آن را نفی می کنند نه اجر معنوی: پس این خود يك استثنا است و مطالبه يك نوع اجر معنوی است.

و با توجه به اینکه تنها پیامبر (ص) است که مطالبه اجر و مزد می کند و تنها اوست که نبوت و رسالت به او ختم شده و خاتم انبیا ؑ است و دیگر شریعت جدیدی نخواهد بود. و رابطه مستقیم تشریح الهی با جامعه و مردم قطع می شود ولی تداوم باطنی و رهبری الهی در جامعه و امت ادامه دارد و آن رهبری صالح و توأم با عصمت امت اسلامی است... مودت اهل بیت (ع) و خویشان نزدیک پیامبر (ص)، الزاما و بصورت يك فرض الهی و مزد از همه امت خواسته شده است و این رهبری و ولایت انسانهای معصوم و لایق، به نفع جامعه و مردم است، نه شخص پیامبر (ص) و بهمین جهت مزد مادی رسالت انبیا ؑ نفی می شود و تنها این مزد استثنا ؑ می گردد که هم معنوی است و هم به نفع عموم. (و ما سلنتکم من اجر فهو لکم) و در راستای این واقعیت است که ذی القربی به آل محمد (ص) و اهل بیت و عترت (و فاطمه) و علی و حسن و حسین (ع) و امامان معصوم (ع)، تطبیق می گردد و آنرا با آیه تطهیر و حدیث ثقلین (و کتاب و عترت) و ... منطبق می سازند.

خطوط کلی بحث:

۱- ذی القربی چه کسانی هستند؟ همه ی قریش، همه ی فامیل نسبی و سببی نزدیک، اهل بیت پیامبر (ص)؟

۲- چرا مودت آنان، مزد رسالت و تبلیغ قرار گرفته است؟

۳- نقش ذی القربی در حراست دین و سنت پیامبر (ص) از مباحث بسیار مهم و حدت ساز و از عوامل مهم تقرب بین فرق اسلامی است. توصیه قرآن به مودت ذی القربی است که عموم مسلمانان آن را قبول دارند ولی متاسفانه کمتر به صورت مستقل و موشکافانه مورد بحث واقع شده است.

آیه «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری، ۲۳) یادآور دو نکته مسلم قرآنی و حکم الهی است:

۱- بیان نوعی اجر و مزد رسالت و تبلیغ است با آن که چنین مطلبی در میان انبیا ؑ پیشین، در قرآن حتی از خود پیامبر (ص) نفی شده است.

۲- مودت ذی القربی به عنوان مزد رسالت يك امر الزامی و تکلیفی (به ظاهر) در قرآن آمده است.

بررسی و روشن شدن جریان واقعی این آیه و مصداق مسلم و روشن آن که با سایر آیات و سیر جریان تاریخی و تفسیری و سیره ی پیامبر (ص) هم سازش داشته باشد، می تواند به نقش ذی القربی در جامعه ی اسلامی و زدودن اختلافات و ... کمک شایانی نماید.

این واژه در قرآن با تعبیرات و معانی مختلف در حدود ۱۶ بار به کار رفته، از ذی القربی گرفته تا

ذوی القربی و ذی القربی، و امثال آن^۱. از جمله آیه ۲۳ شوری است که می گوید: قل الا اسئلکم علیه اجرا لا المودة فی القربی که مورد بحث و بررسی ماست.

معانی لغوی و اصطلاحی آن

قرب مصدر، و به معنای نزدیک و دنو است و نقیض بُعد، به معنای دور. قرابت و قُربی به معنای نزدیکی و خویشاوندان نسبی است. الدُّنُو فی نَسَبِ وَالْقُرْبَى فی رَحْمٍ^۲.

زمخشری می گوید: قُربی مصدری است مثل زُلْفی و بُشری به معنای قرابت و نزدیکی^۳.

لغت نامه ها و فرهنگها نیز عموماً آن را به معنای خویشاوندان و قرابت نسبی گرفته اند^۴.

در منابع معتبر، تفسیری و حدیثی، اهل سنت و شیعه مصادیق و معانی مختلفی برای آن نقل کرده اند

از جمله :

۱- مشرکان قریش مکه که فامیل نسبی دور پیامبر(ص) هستند!

۲- خویشاوندان نزدیک.

۳- علی (ع) و فاطمه(س) و فرزندانشان حسن و حسین (ع).

۴- آل محمد و آل حم.

۵- عترت و اهل بیت پیامبر(ص).

۶- ائمه معصومین(ع).

۷- به معنای تقرب الی الله، طاعت و بذله رحم نیز گفته شده است و تنها یکی از شارحان ترمذی ادعا

کرده است که آیه نسخ شده است^۵ که به دلالتی مردود است.

و اجر به معنای مزد و پاداش و اجرت است که در برابر انجام کاری مطلوب و مقبول بکار می رود.

شعار همه ی انبیاء

خاطر نشان می شود که تمامی انبیاء از جمله شخص پیامبر(ص) در رابطه با ابلاغ رسالت و دین، اجرت

و مزد را از مردم، نفی می کنند و این پاداش را تنها از خدا می طلبند، همان گونه که قرآن از نوح، هود،

صالح، لوط و شعیب نقل می کند که اجری از شما نمی خواهیم و اجر ما تنها بر خدا و پروردگارتان است^۶.

قرآن از پیامبر اسلام (ص) نقل می کند که «ما تسألهم علیه من اجر»^۷ و یا «بگواز شما اجری نمی خواهم...» «قل ما اسئلكم علیه من اجرا»^۸ و یا بگو: برای تبلیغ رسالت از شما مطالبه اجری نمی کنم. و در سوره سبا لحن آیات کمی تغییر می کند و می گوید: آنچه از پاداش و اجر از شما مطالبه کنم به نفع شماست، زیرا پاداش و مزدم جز بر خداوند، بر کسی نیست «ما سئلتکم من اجر فهو لکم ان اجری الا علی الله»^۹.
 آنگاه در سوره شوری، به ظاهر مطالبه اجر و مزد می کند و آن مودت ذی القربی است «قل لا اسئلكم علیه اجرا لا المودة فی القربی»^{۱۰}.

ظاهر آیه می رساند که هم اجر و مزد مطالبه شده و آن هم مودت ذی القربی است که به صورت يك امر الزامی از مردم به امر خداوند خواسته شده است!

پس باید دید که اولاً ذی القربی کیست و شامل کدام خویشاوند است و ثانیاً این چه نوع مزد و پاداشی است؟ مادی و یا معنوی! و در صورت دوم آیا صرف محبت و علاقه به همه خویشاوندان نسبی و سببی پیامبر (ص) لازم است یا محدوده ی خاص و مفهومی برتر از محبت ظاهری، است و مودت توأم با اطاعت و پذیرش رهبری آنان مراد است؟

با دقت در آیات قرآن و نفی هرگونه اجر به ظاهر و واگذاری اجر رسالت بر خداوند از يك سو و نیز بیان این که اگر اجری هم مطالبه شود به امر خداست و به نفع جامعه و امت اسلامی است نه شخص پیامبر (ص) یا افراد خاص. (مثل: ما سئلتکم من اجر فهو لکم)، دیدگاه تازه یی در این آیه به روی امت اسلامی باز می شود و موضوع مهم و سرنوشت ساز و وحدت آفرینی به دست می آید که با همه ی تفسیرها و تأویلات مناسب یا غیر مناسب، در قرآن و سنت و نیز تاریخ به آن اشاره شده است که به بررسی آن می پردازیم:

اکثر مفسران اهل سنت پس از نقل روایات در معانی و مصادیق ذی القربی، آن را به مشرکان قریش که فامیل نسبی پیامبر (ص) بودند، تفسیر کرده اند که خداوند اجر رسالت را دوستی مشرکان قریش مطالبه کرده است.

طبری و ابن کثیر و آلوسی بیشتر بر آن تاکید دارند و چون سوره را مکی دانسته اند، مزید آن مطلب شده است و روایات نقل شده از پیامبر (ص) در معانی دیگر را، یا مورد توجه قرار نداده یا با جمله ی «سند

ضعیف است» رد کرده اند از آن جا که این تقاضا آنهم به امر خدا و با نفی مزد رسالت در قرآن از دشمنان سوگند خورده پیامبر (ص) یعنی مشرکان قریش چندان عقلاتی به نظر نمی رسد. تحفه احوذی در شرح ترمذی ادعای بی اساس دیگری کرده است که این آیه نسخ شده است.^{۱۱}

این کثیر که در میان علمای عامه اعتبار خاصی دارد، می گوید: منظور از آن، کفار مشرک قریش مکه است و پیامبر از آنها خواسته است که با خاطر خویشاوندی با آنان او را آزار نرسانند و به خاطر تبلیغ دین او را دوست بدارند و روایتی از ابن عباس نقل می کند که: بطن و قبیله بی از قریش وجود نداشت مگر آن که به گونه بی با پیامبر (ص) فامیل بودند و قرابت داشتند و پیامبر (ص) فرمود: قرابت را حفظ کنید و اذیتم نکنید و...^{۱۲}

«لا استلکم علیه اجرا، ان تصلوا ما بینی و بینکم من القرابة» یا «ان لا تؤذونی فی نفسی لقرابتی منکم و تحفظوا القرابة التي بینی و بینکم.»

وی از مجاهد و عکرمه و قتاده و سدی و طبرانی از ابن عباس، نیز این مطلب آورده است.^{۱۳} سیوطی در الدر المنثور و نیز دیگران، ضمن نقل روایاتی در باره ی این آیه که ذی القربی را نزدیکان پیامبر (ص) خوانده، می گویند: آیه مربوط به مشرکان قریش است.^{۱۴}

چنان که زمخشری در کشاف همین شیوه را دارد. و می گوید: پیامبر با همه ی قبیله های قریش از یک ریشه اند و چون آنان پیامبر (ص) را تکذیب می کردند و پیامبر (ص) نیز خدایان و افکارشان را نکوهش می کرد، پیشنهاد عدم سب الهه خویش را نمودند، و این آیه نازل شد و مودت خود را به خاطر خویشاوندی با کفار قریش، خواست!^{۱۵}

این جریر طبری نیز طی روایات دیگر، تنها به این روایت تمسک جسته که قربی النبی مراد است.^{۱۶}

ظاهرا دو عامل باعث این تفسیر شده است:

۱- معنای ظاهری ذی القربی، ۲- مکی بودن سوره.

نقد و بررسی

پذیرش این مطلب که خدا در قرآن به زبان پیامبر (ص) تنها دوستی آن حضرت را به خاطر پیوند ریشه

ی نسبی و نژادی کفار قریش با او، از زبان وحی خواسته باشد، چیزی که برای پیامبران دیگر نه تنها نخواست، بلکه برای عموم پیامبران اجر و مزد و این ملاحظات نژادی و نسبی را نفی کرده است، توالی فاسد فراوانی دارد. به علاوه این برداشت هم با آیات دیگر قرآن و هم با عقل سلیم و عرف عقلا، و... منافات دارد زیرا اجر و پاداش باید در مقابل عمل مورد قبول یا در خواست آنان باشد که چنین نبوده است چون:

۱- کفار قریش، رسالت الهی پیامبر(ص) را قبول نداشتند و او را تکذیب می کردند و او را مُعَلِّم مَجْنُون^۷ می خواندند و وحی بر حضرتش را سحر و دروغ می نامیدند! «قالوا هذا سحر مبین»^۸ و برای زحماتش نه تنها ارزش قائل نبودند بلکه نسبت به او کینه داشتند، هم چنان که کارش را تفرقه می دانستند و سزای آن را مرگ قرار دادند و توطئه قتل او را چیده بودند.

تمام مطالب یاد شده در متن قرآن و تاریخ و سیره و سنت پیامبر (ص) موجود است و جریان لیلۃ المبیت و خروج و مهاجرت پیامبر و مخفی شدن در غار ثور و... گویای این واقعیت است.

در چنین شرایطی و با چنین روحیات و افکاری چگونه خداوند پاداش و مزد رسالت را مودت و دوستی آنان قرار می دهد و به پیامبر دستور می دهد: بگو که اجر و مزدی از شما نمی خواهم جز دوستی شما به خاطر قرابت من با شما.

تازه اگر به این دستور عمل می شد، مودت کفار و مشرکان فایده نداشت و اثر معنوی و اخروی هم بر آن افزوده نمی شد. به علاوه هم برای خدا و دین او و هم برای پیامبر، این تقاضا آنهم از دشمنان خدا و رسول خدا، سبک و خلاف عقل و منطق بود. زیرا اصولا و عرفا و قانونا چنین تقاضائی باید موقعی باشد که آنان برای کار انجام شده ارزش و احترام قائل باشند و خود را مدیون آن بدانند و برای آن مزد و پاداشی در نظر داشته باشند تا خداوند به پیامبر (ص) بگوید مزد و اجرت نخواه، جز دوستی آنان را آنهم به خاطر قرابت و خویشاوندی شما!

چنین کاری با سیره ی انبیاء و با روحیه ی پیامبر و انبیاء بزرگ الهی، سازش ندارد و با ظاهر قرآن و آیات صریح آن نیز مغایر است.

چون قرآن، عموی پیامبر و همسرش را در خلال يك سوره (تَبَّتْ = مَسَدٌ) بسختی نکوهش می کند و هرگز ملاحظه ی خویشاوندی او را نمی نماید همان گونه که ملاحظه ی خویشاوندی سایر کفار را نمی کند.

باز می بینیم که:

قرآن ملاحظه ی همسر نوح و لوط و حتی فرزندی پسر نوح را در جریان عذاب عمومی نکرده و رسماً هنگام عذاب آنان، پیامبر را از آن بر حذر می دارد و می گوید همسرت را با خیر نسا(عنکبوت، آیه ۳۳ و هود آیه ۸۱) و به نوح می گوید: برای پسرت دلسوزی نکن چون از اهل تو نیست چون عملش غیر صالح است: انه ليس من اهلك. انه عمل غير صالح» (هود، آیه ۴۶).

سپس همه را در ورطه ی بلا و عذاب قرار می دهد.... پس چگونه این ملاحظه و مسامحه را درباره ی چنان دشمنان لجوج و عنود، امثال ابوجهل و عاص بن وائل و عتبه و شیبه، و عُقْبَة بن ابی مُعِيط و دیگر مشرکان قریش، روا می دارد؟

این توجیه چگونه با تعبیر قرآن نسبت به پیامبر(ص) که می گوید: اشداء علی الکفار: و یا آنجا که می گوید: لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء؟ همخوانی و سازش دارد؟

پیشنهاد سازش!

اگر گفته شود که این توصیه در مورد پیشنهاد مصالحه ی قریش بوده است، می دانیم که آنهم با سیره و با تاریخ سازگار نیست چون قریش يك بار پیشنهاد سازش در عبادت خدا و بت هر دو را داد.

ولید بن مغیره، امیه و عاص بن وائل به پیامبر (ص) گفتند که يك سال ما خدای شما را می پرستیم و يك سال هم شما بتهای ما را پرستش کنید.

در پاسخ این پیشنهاد سوره ی کافرون نازل شد و موضع صریح توحیدی پیامبر (ص) را در برابر کفار و وجوب مخالفت با کفار و عدم سازش و مسامحه را آشکارا بیان داشت^{۱۹}.

پیشنهاد دوم در باره ی دست برداشتن پیامبر (ص) از نکوهش بتها و افکار بت پرستان با دادن امتیازات مالی و مقامی به پیامبر (ص) بود حتی پیشنهاد ریاست و سلطنت بر خود را به پیامبر(ص) دادند^{۲۰}.

پیامبر(ص) در پاسخ فرمود: شما کلمه توحید را بگویید و از معبودهای باطل دست بردارید تا عرب و عجم در مقابل شما خاضع شود^{۲۱}.

به خدا قسم اگر خورشید را در دست راستم قرار دهید و ماه را در دست چپم (ما سئلتکم غیر هذہ) چیزی جز این رسالت از شما نمی خواهم^{۲۲}.

بنابراین جایی، برای این پیشنهاد و دستور وحی و خواهش پیامبر (ص) باقی نمی ماند.

احتمال دیگر

ممکن است گفته شود که آیه خطاب به مشرکان قریش است که در صورت ایمان به پیامبر (ص)، او را به خاطر قرابت با خویش، دوست بدارند.

در پاسخ گفته می شود که اولاً چنین قید و شرطی در آیه نیست و آیه مطلق است. ثانیاً هر مسلمانی طبق صراحت دهها آیه ی قرآن باید خدا و پیامبر (ص) را دوست بدارد و حتی دوستی پدر و مادر و برادران و خواهران و فرزندان و همسران و عشیره و اموال و تجارت خویش را بر محبت خدا و رسول خدا و جهاد ترجیح ندهد.^{۳۳} قرآن به مسلمانان هشدار می دهد که :

« پدران و برادران خویش را در صورتی که کفر را دوست بدارند، دوست و ولی خویش نگیرند.^{۳۴} ثانیاً اگر چنین مومنی به فرض دشمنی و کینه پیامبر (ص) را در دل داشته باشد، مسلماً برای کار هدایت و رسالت پیامبر (ص) ارزش قائل نیست تا قرآن مودت چنین کسانی را که انگشت شمار می باشند، اجر رسالت قرار دهد و مسلماً این معنا هم مراد نیست و کسی از علما چنین عقیده ندارد و در تفاسیر و حدیث نیز به آن اشاره یی نشده است. دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
و در نهایت، اگر با اتکا به قول ابن کثیر و کسانی که می گویند: «چون این سوره مکی است با معنای اول یعنی توصیه به مشرکان قریش بیشتر سازش دارد و آن معنا مرادست». در پاسخ باید گفت:

اولاً- بسیاری از سوره های قرآن هم آیات مکی دارد و هم آیات مدنی مثل انفال دو آیه از سوره توبه و سوره یاسین که از ۸۳ آیه اش ۴۵ آیه مدنی است و سوره حج و چند سوره ی دیگر... و ثانیاً حسن بصری می گوید برخی از آیات سوره شوری مدنی است.

ابن عباس و قتاده نیز می گویند ۴ آیه از سوره شوری مدنی است و آیه قل لا اسئلكم علیه، اجرا الامودة فی القربی در مدینه نازل شده است. آنگاه مردی گفت: این آیه از طرف خدا نازل نشده است (چون توصیه مودت اقربای نبی (ص) بود) ولی با نزول آیه «ام یقولون افتری علی الله کذباً»^{۳۵} آن مرد پشیمان شد

و توبه کرد و آیه «وهوالذی یقبل التوبه عن عباده» نازل گشت^{۳۶}. پس لزومی ندارد این معنا را لحاظ کنیم!

خویشاوندان سببی در مدینه(وانصار)

مطلب دیگر آن که خطاب متوجه انصار است نه قریش و نه مهاجران. چنان که برخی مفسران گفته اند که انصار مال نسبتاً زیادی برای پیامبر (ص) آورده بودند چون انصار از ناحیه سلمی بنت زید النجار (مادر عبدالمطلب) و نیز از جانب آمنه بنت وهب، با پیامبر (ص) فامیل بودند! در پاسخ آنان این آیه نازل شد که پیامبر(ص) بگو که اجری، جز دوستی و مودت خود را به خاطر خویشاوندی با شما نمی خواهم! سستی و ضعف این سخن نیز از قول اول کمتر نیست زیرا تردیدی در محبت و دوستی انصار نسبت به پیامبر(ص) وجود ندارد چون انصار بودند که در دو پیمان عقبه اول (بیعة النساء) در سال ۱۲ بعثت و پیمان عقبه دوم (بیعة الحرب) سال ۱۳ بعثت زمینه ی هجرت و دعوت پیامبر (ص) به یثرب (مدینه) را فراهم آوردند و از بذل مال و جان در راه اسلام و حمایت از پیامبر(ص) دریغ نوزیدند! حتی طبق گواهی قرآن آنان مهاجران را به خاطر ایمان به پیامبر(ص) و هجرتشان نیز دوست داشتند و هیچ غلّ و کینه در دل نسبت به آنان نداشتند و اموال و آذوقه ی خویش را در نهایت نیاز خود به آنان ایشار می کردند^{۳۷}.

در این صورت معنا ندارد، قرآن خط مشی جدایی برای پیامبر اسلام، در میان همه انبیا، باز کند و بگوید که تنها اجر و مزد رسالت من، محبت و دوستی است چون فامیل سببی شما هستم آنهم به خاطر ازدواج پدر و جدم با فامیلین شما. به علاوه عرب برای انتساب از طریق وصلت، چندان ارج و منزلتی قائل نبود و همسران را ظرفی موقت برای نسل می دانست، ولی برای نسب ریشه و اصالت قائل بود^{۳۸}. و این اسلام بود که فرزندان دختر را نیز مانند فرزندان پسر ارزش داد.

بنابراین هیچ يك از این معانی با این بیان عام قرآن که خطاب به همه ی مسلمانان است... ندارد و باید هدف مهمتری را جستجو کرد.

اهل بیت(ع) مصداق ذی القربی در منابع معروف اهل سنت

علی رغم تلاش برخی، در تطبیق ذی القربی به مشرکان قریش، مفسران و محدثان معروف، آنان که آن را به اهل بیت واقربای نبی و آل محمد(ص) و مخصوصاً به علی و فاطمه و دو فرزندشان و... تطبیق

- کرده اند و احادیث مربوط به آن را نقل کرده اند، زیادند که به چندین نمونه از آنان اشاره می شود:
- احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هـ در فضائل الصحابه، ص ۲۱۸ و به نقل از مخطوط بنقل از احقاق الحق، ج ۳، ص ۳۰۰... و نیز بخاری متوفای ۲۵۳ یا ۲۵۶ هـ در صحیح ج ۶، ص ۱۹۲ طبع مصر، در ذیل آیه می گوید قریبی آل محمد (ص) است.
- ترمذی، در الجامع الصحیح از محمد بن عیسی بن سوره در پنج جلدی ج ۵، ص ۳۵۲ قریای آل محمد (ص) و نیز قرابه قریش را آورده است.
- ابو جعفر محمد بن جریر طبری متوفای ۳۱۰ هـ در طی نقل دو حدیث آن را قریبی النبی و قریبی رسول الله آورده است. وی در همان تفسیرش ج ۲۵ ص ۱۴-۱۵ ط مصر، نیز جریان علی بن الحسین با مرد شامی را نیز آورده است. که امام آن را به اهل بیت نبی و ذریه رسول خدا تطبیق کرده و سوره را آل حم خوانده است.
- حاکم متوفای ۴۰۵ هـ در مستدرک ج ۳، ص ۱۷۲ ط حیدرآباد دکن. خطبه امام حسن (ع) را در روز شهادت امیرالمؤمنین (ع) برای مردم نقل کرده که فرمود: آیه را تطبیق با اهل بیت نبی (ص) کرده است، نقل نموده است.
- زمخشری متوفای ۵۲۸ هـ در تفسیر کشاف ج ۳، ص ۴۰۲ آن را به علی و فاطمه و فرزندان تطبیق نموده.
- موفق بن احمد مکی اخطب خوارزمی متوفای ۵۶۸ هـ در مقتل الحسین ط نجف. و
- ابن اثیر متوفای ۶۰۶ هـ در تفسیرش روایات و توجیه جالب نسبت به قول زمخشری دارد و آن را به اهل بیت (ع) و آل محمد (ص) تطبیق می کنند.
- محمد بن طلحه شافعی در مطالب السنول ص ۸ چاپ تهران نیز وی متوفای ۶۰۶ هـ .
- محب الدین احمد بن عبدالله طبری متوفای ۶۹۴ هـ در ذخائرالعقبی و ... ط مصر، در باره علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) دانسته.
- ابن صباغ مالکی در الفصول المهمه، ص ۱۱-۱۲.
- حافظ گنجی در کفایة الطالب، ص ۴۱.
- ابن حجر هیثمی در الصواعق المحرقة ص ۱۰۱ و ۱۳۵ و ابن حجر عسقلانی در الکافی الشاف فی تخریج احادیث الکشاف، ص ۱۴۵.
- شبلنجی در نورالابصار ص ۱۱۲ و سیوطی در الدر المنثور، ج ۶، ص ۷.

محمی الدین عربی در تفسیرش. ابن کثیر در ج ۴، ص ۱۰۱ تا ۱۰۳ تفسیرش.

قرطبی در ج ۸، ص ۵۸۴۳ تفسیرش.

خواجه پارسا در فصل الخطاب به نقل ینابیع المودة ص ۳۶۹ ط اسلامبول.

نسفی متوفای ۷۰۱ در تفسیرش بر حاشیه الحازن ج ۴، ص ۹۹. نیز به این تطبیق اشاره دارد.

احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی در تفسیر ثعلبی «الکشف و البیان» مخطوط نیز همین گونه تطبیق

نموده است، که علمای زیادی از آن نقل کرده اند.^{۳۱}

منظور از آن، اهل بیت و علی و فاطمه و ...

طبری (متوفای ۳۱۰) در تفسیرش در طی دو حدیث ذی القربی را قربی النبی و آل رسول الله (ص) می

داند «هر چند کلمه ی قربی الرسول به ظاهر عام است ولی تعبیر آل رسول الله و نیز با مضمون احادیث دیگر

می رساند که منظور از آن، اهل بیت می باشد چنانکه از سندی و این ابی دیلم نقل می کند که علی بن

الحسین در دروازه ی شام به مرد شامی گفت: ما نئیم ذی القربی رسول خدا (ص).^{۳۰}

و طبرانی در معجم الکبیر در ترجمه امام حسن (ع) می گوید: حسن بن علی بعد از شهادت پدرش علی

بن ابیطالب ضمن تجلیل از او فرمود که :

ماییم اهل بیت پیامبر که خداوند مودت آنان و ولایت آنان را، واجب ساخت و سپس آیه مزبور را

خواند.^{۳۱}

حاکم، در مستدرک نیز همین مطلب را به تفصیل آورده است. که ماییم اهل بیت پیامبر که مودت آنان

بر هر مسلمانی واجب است و سپس آیه «من یقترف حسنة» را نیز چنین تفسیر کرد: کسی که مودت اهل بیت

را کسب کند.^{۳۲}

سیوطی نیز در روایات متعددی از ابن عباس و مجاهد و ... نقل می کند که پیامبر (ص) در پاسخ سئوال از

مصدق این آیه فرمود: «ان تحفظونی فی اهل بیتی و تودوهم بی... موقعیت مرا در اهل بیتم حفظ کنید و

آنان را بخاطر من دوست بدارید.»، او نیز می افزاید که ابن عباس و سعیدبن جبیر نقل می کنند که

پیامبر (ص) فرمود: آنان علی و فاطمه و فرزندانشان هستند (ولی می گوید به سند ضعیف!).

وی آنگاه روایت علی بن الحسین را در دروازه ی دمشق با مرد شامی در این باره نقل می کند.^{۳۳}
این کثیر نیز علاوه بر نقلهای گذشته روایاتی در تطبیق به اهل بیت و آل محمد، پاسخ علی بن الحسین
را به مرد شامی نقل می کند که مرد شامی به علی بن الحسین در دروازه ی شام هنگام اسارت گفت:
«خدا را شکر که شما را کشت و بیچاره تان ساخت و شاخ فتنه را قطع کرد.»

فرمود: قرآن خواندی؟ شامی گفت: آری. علی بن الحسین گفت: آل حم را قرائت کردی؟ مرد گفت: نه.
آن حضرت فرمود: آیه قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربى را خواندی؟ گفت آری و انکم لانتهم هم؟
مگر شما همانها هستید؟ فرمود: آری. ما همانها و ذی القربای پیامبریم.^{۳۴}

ابن عربی در تفسیرش در بحث مفصلی می گوید: آنها علی و فاطمه و فرزندانشان^{۳۵} هستند.
آلوسی هم در ذیل آیه و آت ذی القربى حقه از قول جبریل به پیامبر می گوید: منظور فاطمه است.^{۳۶}
زمخشری در کشاف می گوید:
هنگامی که این آیه نازل شد از پیامبر(ص) پرسیدند که چه کسانی از ذوی القربای شما هستند که
خداوند مودت آنان را بر ما واجب کرده است؟

فرمود: علی و فاطمه و اینها^{۳۷} آنان علی و فاطمه(س) و دو فرزند آنان می باشند.
بیضاوی متوفای ۶۳۸ در تفسیرش ج ۴، ص ۱۳۳ می نویسد که روایت شده که وقتی که این آیه نازل
شد از پیامبر(ص) سئوال شد که نزدیکانت چه کسانی هستند؟

فرمود: منظور از آن، علی و فاطمه و دو پسرش می باشند.^{۳۸}
ابن حجر هیشمی می گوید: اخرج احمد و طبرانی و ابن ابی حاتم و الحاکم(فی المستدرک) عن ابن
عباس: ان هذه الاية لما نزلت قالوا يا رسول الله من قرابتك هؤلاء الذين اوجبت علينا مودتهم؟
قال(ص) علي و فاطمة و اینها^{۳۹}.

قرطبی در ج ۸، ص ۴۸۴۳ تفسیرش ذیل آیه مذکور می گوید: آنان علی و فاطمه و دو فرزند آنان
هستند.^{۴۰}

و ثعلبی نیز همین مطلب را از ابن عباس آورده است در ذیل آیه به نقل المراجعات نامه رقم ۱۹.
ابن مغازلی در مناقبش، از بغوی در تفسیرش و از اسباب النزول واحدی، و احمد حنبل در مناقش

گفته اند که : منظور از آن، علی و فاطمه و حسن و حسین و ... است^{۴۱}.

ابونعیم و دیلمی از طریق مجاهد از ابن عباس نقل کرده اند که پیامبر(ص) گفت: « لا استلکم علیه

اجرا الامودة فی القربی ان تحفظوا فی اهل بیته و تودوم لی^{۴۲}. »

ابن ابی حاتم از ابن عباس در باره ی و من یقترف حسنة نقل می کند که گفت: یعنی المودة لآل

محمد(ص)^{۴۳}.

و سیوطی همین مطلب را در باره ی این آیه آورده است^{۴۴}.

او در الدرالمشور از مجاهد و ابن عباس نقل می کند که منظور از آیه الامودة فی القربی اهل بیت

پیامبر است که فرمود: موقعیت مرا در اهل بیتم حفظ کنید و آنانرا بخاطرم دوست بدارید. (قال(ص) ان

تحفظونی فی اهل بیته و تودوم لی)^{۴۵}.

وی می گوید: اخرج الترمذی و حسنه و الطبرانی و الحاکم و البیهقی و ... عن ابن عباس قال قال

رسول الله (ص) احبوا الله لما یغذوکم به من نعمة و احبونی لحب الله و احبوا اهل بیته لیبی^{۴۶}.

و همو روایتی از ابوبکر نقلی می کند که پیامبر(ص) در این باره فرمود: ارقبوا محمدا علی الله فی اهل

بیته^{۴۷}. برای خداوند مراقب پیامبر(ص) در محبت به اهل بیت او باشید.

و نیز پیامبر(ص) فرمود: من ابغضنا اهل البیت ، فهو منافق. کسی که ما اهل بیت را دشمن بدارد،

منافق است.

سیوطی نیز روایات زیادی در این باره آورده است از جمله از قول پیامبر(ص) نقل می کند که گفت: ما

اهل بیت را کسی دشمن نمی دارد مگر این که خداوند او را داخل آتش می سازد.

والذی نفسی بیده لا یبغضنا اهل البیت رجل، الا ادخله الله النار^{۴۸}.

و روایتی از حسن بن علی(ع) به طور مفصل آمده است که در آخر می فرماید:

کسی ما را مبعوض نمی دارد و کسی نسبت به ما حسد نمی ورزد مگر آن که در روز قیامت با تازیانه ی

آتشین شلاق می خورد^{۴۹}.

وی از قول مسلم و ترمذی و نسائی از زید بن ارقم نقل می کند که « قال رسول الله(ص) اذکرکم الله

فی اهل بیته^{۵۰}. « آنگاه روایتی از عایشه می آورد که پیامبر(ص) در پاسخ فرمود که «لا تبلغوا الحیرا و الایمان حتی یحبوکم»^{۵۱}. - به نیکی و ایمان می رسند مگر آنکه شما را دوست بدانند.

در روایات زیادی پس از نزول آیه مزبور آمده است که منظور از ذوی القربا، آل محمد(ص) است. سیوطی در الدر المنثور می گوید: احمد حنبل و عبدالله بن حمید و البخاری و مسلم و الترمذی و ابن جریر و ابن مردویه عن طاووس عن ابن عباس ... نقل می کند که از آیه ی الامودة فی القربی پرسیدند، او گفت: سعید بن جبیر رضی الله عنه گفت که آنان آل محمد هستند^{۵۲}.

ابن عربی نیز در تفسیرش آورده است که منظور از آن، اهل بیت نبوت و آل محمد(ص) می باشند و احادیث زیر را از قول پیامبر می آورد:

«الا من مات علی حب آل محمد(ص) مات مغفور له» هر کس در محبت و دوستی آل محمد بمیرد، آمرزیده شده است.

الا من مات علی حب آل محمد(ص) مات شهیدا هر کس بر محبت آل محمد(ص) بمیرد، شهید است^{۵۳}. و نیز حدیث من مات علی حب آل محمد(ص) مات مستکمل الایمان. و یا... مات تائبا را نیز نقل کرده است^{۵۴}.

سید قطب در تفسیرش (فی ظلال القرآن) می گوید عبدالملک میسره از طاووس و او از سعید بن جبیر نقل می کند که گفت که: پیامبر فرمود: آنان آل محمد(ص) هستند «هم» قربی آل محمد(ص) وی هر چند آن را از قول ابن عباس نسبت به همه ی بطون قریش می داند، ولی سرانجام غیر مستقیم قول سعید بن جبیر را ترجیح می دهد^{۵۵}.

ابن کثیر و دیگران نیز این روایت را آورده اند که انصار در جریان پیغامبر(ص) آمدند و اموال زیادی هم آوردند و گفتند: اموالنا فی ایدینا لله و لرسوله سپس این آیه نازل شد^{۵۶}.

ابن ابی حاتم و دیگران نیز همین مطلب را آورده و از طریق دیگری از علی بن الحسین از عبد مؤمن بن علی اشقر از یزید بن زیاد از سعید بن جبیر و ابن عباس نیز همین مطلب را آورده که منظور علی و فاطمه و فرزندان شان می باشند و در واقع این جریان در مدینه بود نه مکه، ولی می گوید: این روایت ضعیف است^{۵۷}. وی سپس می افزاید که ما منکر توصیه بر محبت و مودت و احسان و اکرام اهل بیت نیستیم چون آنان

ذریه طاهره و از اشراف الناس علی وجه الارض حسبا و نسبا هستند.

در صحیح ثابت شده است که پیامبر در خطبه غدیر خم فرموده است: « انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض من در بین شما دو امانت گرانقدر می گذارم، قرآن و عترت و اهل بیت که آن دو از هم جدا نمی شوند تا این که در قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. »
« و نیز فرموده است والذی نفسی بیده لایدخل قلب الرجل الايمان حتى یحبکم لله و لقرباتی.

و بخاری به اسنادش از عمر نقل می کند که ابوبکر گفت: «ارقبوا محمدا(ص) فی اهل بیده و ابوبکر به علی گفت و الله لقرباة رسول الله(ص) أَحَبَّ الیَّ أَنْ أَصِلُ مِنْ قَرَابَتی و ... و این می رساند که منظور خویشان نزدیک و اهل بیت پیامبر(ص) می باشند.

و سپس روایاتی در این زمینه از جمله حدیث ثقلین را نقل می کند.^{۸۸}

و سرانجام حدیث سفینه را از قول اباذر نقل می کند که ابوذر حلقه باب کعبه را گرفت و گفت: «هر که مرا می شناسد که می شناسد و هر کس نمی شناسد(بداند) من ابوذر هستم». سمعت رسول الله یقول انما مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینة نوح(ع) من دخلها نجی و من تخلف عنها هلك. «وی بسیاری از احادیث را در باره ی تطبیق ذی القربی با اهل بیت نقل می کند ولی در دنباله اش می گوید هذا بهدا الاسناد ضعیف؟ و سیوطی چنین تعبیری دارد که سند ضعیف است. ولی دلیل محکمی برای ضعف آن ارائه نمی دهند.»

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظر فخر رازی

فخر رازی بعد از نقل حدیث مزبور و حدیث پیامبر(ص) «ومن مات علی بفض آل محمد لم یشم رائحة الجنة» از تفسیر کشاف زمخشری به تفسیر اهل البیت و آل محمد(ص) می پردازد و می گوید:
«آل محمد کسانی هستند که امرشان به محمد(ص) بازگشت می کند و هر که ارتباط بیشتر و کاملتر و محکمتر با پیامبر داشته باشد، آل او محسوب می گردد و بدون تردید فاطمه و علی و حسن و حسین محکمترین پیوند را با رسول خدا(ص) دارند و این از مسلمات است و مستفاد از احادیث متواتر می باشد پس لازم است که همه آنان را آل محمد(ص) بدانیم.»

وی می افزاید که برخی معنای آل را خویشاوندان نزدیک دانسته و برخی دیگر آن را به معنای امت پیامبر(ص) که دعوت وی را پذیرفته اند، دانسته اند و اگر هم معنای دوم را بپذیریم(که خلاف ظاهر و عرف

و اصطلاح اهل لغت است) باز خویشاوندان نزدیک پیامبر (ص) مصداق روشن آنند و آنان بدون تردید در مفهوم آل پیامبر (ص) داخل هستند ولی مشمول آن بر دیگران محل خلاف است.

پس علی و فاطمه و حسن و حسین از ذی القربای پیامبرند و دلائل مختلفی از جمله آیه ۲۳ سوره شوری بر آن دلالت دارد بنابراین آنان از احترام فوق العاده برخوردارند و مودت آنان واجب است.^{۹۸}
وی نیز از آیات دیگر و روایاتی در باره ی وجوب مودت آل محمد و ذوی القربی استدلال می کند و بحث خود را با اشعار شافعی پایان می دهد.

إِنْ كَانَ رَفِضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَيَشْهَدُ الثَّقَلَانُ أَنِّي رَافِضٌ

«اگر محبت آل محمد رفض و شرك است تمامی جن و انس گواه باشند که من رافضیم»^{۹۹}.

سوره آل حم

در بسیاری از روایات، و ادب و شعر، این سوره، بنام آل حم خوانده شده است که منظور، اهل بیت و آل محمد (ص) است.

علی (ع) می گوید: در باره ی ما در سوره آل حم آیه ای است در مودت ما که جز مؤمنان آن را مراعات نمی کنند و محفوظ نمی دارند و آن دوستی ما خاندان است و سپس آیه «قل ما استلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی» را می خواند.^{۱۰۰}

کُمیت شاعر معروف در رابطه با همین اسم و آیه مزبور و اهل بیت در اشعارش آورده است که :

وَجَدْنَا لَكُمْ فِي آلِ حَمِ آيَةٍ تَأْوِلُهَا مِنَّا تَقَىٰ وَ مُعَرَّبٌ^{۱۰۱}

امام علی بن الحسین نیز آن را سوره آل حم و در باره ی اهل بیت عصمت و عترت پیامبر خوانده است

چنان که در اسارت او با مرد شامی در دروازه ی دمشق، در بحث گذشته نقل شد.^{۱۰۲}

امام صادق (ع) نیز می گوید که: آیه در باره ی ما نازل شده است.^{۱۰۳}

طبرسی در مجمع البیان می گوید این سوره به نام سوره ی آل حم مشهور است.^{۱۰۴}

احمد عبدالخلیم بردوئی در حاشیه ی تفسیر قرطبی ۲۸۹/۱۵ می گوید آل حم = حامیم همان آیه ۲۳

شوری است.

نظر ابن عربی

محمی الدین عربی در تفسیرش می گوید: الا المودة فی القربی یک استثناهی منقطع است و اجر و مزد رسالت رانفی می کند برای این که مردم پاداشی نمی پردازند زیرا طبق آیه «ما سئلتکم من اجر فهو لکم» ثمره و نتیجه ی مودت ذوی القربی عاید خودشان است چون این مودت عامل نجات آنان است «لأن ثمره مودتهم عایده الیهم لكونها سبب نجاتهم...»

آنگاه استدلال می کند به این که ایمان و دوستی و معرفت خدا و اهل توحید بدون محبت و مودت اهل بیت (ع) امکان ندارد. و اهل بیت پیامبر (ص) را دوست نمی دارد مگر کسی که خدا و رسول خدا را دوست داشته باشد و خدا و رسول خدا هم آنان را دوست داشته باشند.

«لا یمكن من تكذرت روحه و عرف الله و احبه من اهل التوحید ان لا یحبهم لكونهم اهل بیت النبوة و معادن الولاية و الفتوة فلا یحبهم الا من یحب الله و رسوله و یحبه الله و رسوله.»

آنگاه روایت را از قول پیامبر (ص) نقل می کند که هنگامی که این آیه نازل شد، از پیامبر (ص) پرسیدند که این ذوی القربی که خداوند مودت آنان را بر ما واجب ساخته است، کیست؟ فرمود: آنان علی (ع) و فاطمه و حسن و حسین و فرزندانشان می باشند. قال (ص): علی و فاطمه و الحسن و الحسین و ابناها.^{۳۶}

بعد به مناسبت اهمیت این مودت و عامل نجات بودن آنان، روایاتی از پیامبر (ص) نقل می کند از جمله روایاتی در حب و بغض آل محمد (ص) می آورد مثل: قال (ص) من مات علی حب آل محمد (ص) مات شهیدا... مات مومنا- علی السنة و الجماعة.^{۳۷} ملاک بردن با سنت و جماعت محبت اینان است. و نیز فرمود: من مات علی بغض آل محمد مات کافرا.^{۳۸}

و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحة الجنة.^{۳۹} و از این روایت می توان فهمید که ملاک اهل سنت و عامل به سنت و همگام با جماعت امت اسلامی بودن، عمل به این آیه و مودت و دوستی آل محمد و اهل بیت (ع) است. و مصداق واقعی آن شیعه می باشد.

نظر شیخ مفید: شیخ مفید (ره) می گوید: مودت ذی القربی اجر و مزد رسالت نیست زیرا در چند آیه

در قرآن اجر رسالت نفی شده است و اجر پیامبر(ص) تقرب الی الله و ثواب دائم است که مقتضای عدل و کرم وجود خداوند است و لازمه ی عمل آن است که خالصا لله باشد و آنچه برای خدا باشد، پاداش و اجرش هم بر خداوند است.

وی قول صدوق ره^{۷۰} را رد می کند و می گوید که اگر مراد اجر رسالت باشد لازمه اش تناقض در قرآن است! و معنای آن چنین می شود که خداوند بگوید: قل لا اسئلكم علیه اجرا. من از شما مزد رسالت نمی طلبم و بعد بگوید بگو من مزد رسالت می خواهم (و اسئلكم علیه اجرا) و این تناقض است! یا بگوید: بگو پاداشم تنها بر خداست (ان اجری الا علی الله) و سپس بگوید: بگو پاداشم بر خدا و بر غیر خدا یعنی مردم است. و این تناقض است و قرآن تناقض ندارد. پس مسلما استثناء منقطع است^{۷۱}. یعنی بگو هیچ اجری و مزدی از شما نمی طلبم ولی مودت ذی القربی را بر شما الزام می کنم و از شما می طلبم بنابراین در این کلام تناقض نیست. يك جا اجر و مزد رسالت را نفی می کند و يك جا هم مودت (بلکه اطاعت) ذوی القربی را مستقلا اثبات می کند و آن را الزامی و به عنوان يك تکلیف مستقل می طلبد^{۷۲}.

در پاسخ می گوئیم:

ظاهر کلام خدا و فصاحت و ارتباط سیاق این آیه می رساند که استثناء منقطع نیست، بلکه متصل است و درست است که آیات و از جمله این آیه اجر و مزد رسالت را نفی می کند ولی منظور آن نفی مزد مادی و مالی مصطلح در عرف عام است که می پنداشتند پیامبری هم پست و مقامی مادی است که باید در مقابلش حقوق و اجر مادی پرداخت کنند و این آیات آن را نفی می کند و می گوید که اجر مادی مراد نیست بلکه اجر معنوی و غیر مادی مراد است و ملك و مالی از شما نمی خواهم ولی مودت ذی القربی را می طلبم و آنچه اجر از شما می طلبم به نفع شماست پس اجر معنوی و آنهم در باره ی رهبری امت اسلامی است پس از ختم رسالت و ختم نبوت، مودت توأم با اطاعت و پیروی از عترت و اهل بیت و زعامت ائمه معصومین از ذی القربای پیامبر است و این امر بر جامعه ی اسلامی و امت مسلمان الزامی و به دستور خداوند است که پیامبر آن را خواسته است و اینهم به نفع جامعه و به نفع امت اسلامی است که در راس زعامت آنان شخصیت صالح و معصوم و انسان کاملی مثل پیامبر از اهل بیت او باشد و معنای «ما سئلتکم من اجر فهو لکم» نیز

همین است.

لذا در بسیاری از روایات، ارتباط مستقیمی بین این آیه و مودت اهل بیت پیامبر(ص) با رهبری امت و امامت داده شده است. حتی مستقیم و یا غیر مستقیم آن را با حدیث ثقلین ربط داده اند چنانکه حافظ سیوطی در تفسیرش در دنباله ی نقل احادیثی از قول پیامبر(ص) در پاسخ سنوأل از منظور و مصداق ذوی القربی و تطبیق آن با آل محمد و اهل بیت و ...، حدیث ثقلین را نقل می کند که: قال اخرج الترمذی و حسنه و ابن انباری عن زید بن ارقم عن رسول الله(ص) قال: انی تارك ما ان تمسکتم به لن تضلوا بعدی ، احدهما اعظم من الاخر، کتاب الله جبل ممدود من السماء الی الارض. و عترتی اهل بیتهی ولن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما^{۷۳}.

حاکم ابوالقاسم. با اسنادش در کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، نقل می کند که پیامبر(ص) فرمود: خداوند (مردم را از) اشجار مختلفی آفرید و من و علی را از یک شجره خلق کرد پس من اصل آن شجره هستم و علی فرع و شاخه های آن و فاطمه لقاح و پوست آن است. و حسن و حسین میوه های آن درخت هستند. شیعیان ما برگهای آن. هرکس به غصن و شاخه ی آن تمسک جوید، نجات می یابد. سپس این آیه را خواند قل لا اسئلكم علیه اجرا الا...^{۷۴}.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید که: « اعرابی خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: یا محمد(ص) اسلام را بر من عرضه کن پیامبر فرمود بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله پرسید برای این کار مزدی هم مطالبه می کنی؟! »

پیامبر فرمود: نه. مگر مودت ذی القربی را.

اعرابی پرسید: ذی القربی من یا تو؟

پیامبر(ص) فرمود: نه. ذی القربی من.

اعرابی گفت: بیا بیعت کنم. هر کسی که ترا دوست ندارد و ذی القربای تو را دوست ندارد، لعنت خدا

بر او باد.

پیامبر فرمود: آمین^{۷۵}.

ابن ابی الحدید می نویسد، که: «پیامبر در ضمن خطبه یی در روز جمعه، ضمن توصیه و سفارش به مردم فرمود: ایها الناس اوصیکم بحب ذی القربی، اخی و ابن عمی علی بن ابیطالب لا یحبه الامومن ولا یتغضه الا منافق. ای مردم شما را به محبت ذی القربی، برادرم و پسر عموم علی (ع) سفارش می کنم. او را دوست ندارد مگر مومن و دشمن ندارد مگر منافق!

و نیز فرمود: من احبه فقد احبنی و من ابغضه فقد ابغضنی و من ابغضنی عذبه الله بالنار. «وی افزود که احمد حنبل در مناقب خود آنرا از فضایل علی (ع) آورده است. و در پایان حدیث مسند کساء و نزول آیه تطهیر را از «ام سلمه» نقل می کند که پیامبر (ص) به فاطمه (س) گفت تو و شوهرت و دو پسرت بیائید. سپس کساء فدکی بر آنان افکند و دستهایش را به دعا بلند کرد و گفت: اللهم هؤلاء آل محمد (ص) فاجعل صلواتک و برکاتک علی آل محمد (ص) فانک حمید مجید. ام سلمه می افزاید که من نیز خواستم داخل شوم پیامبر (ص) مانع شد و گفت: انک علی خیر. تو همواره بر نیکی خیر هستی...^{۷۶}

در باره ی آیه مزبور و تطبیق آن با آیه تطهیر روایات زیادی از فریقین نقل شده است. چنانچه گذشت. «ابن حجر» در دنباله ی این مطلب از منصور فقیه این شعر را در باره ی ذی القربی نقل می کند که :

ان کان حُبَّ خمسة زكَّت بهم قرائنی و بُغْضُ مَنْ عَاداهم رَفْضاً فانی رافضی!

در این باره شیخ شمس الدین عربی نیز می گوید:

رأیت ولاتنی آل طه فریضة علی رغم اهل البعد یورثنی القربا

فما طلب المبعوث اجرا علی الهدی بتبلیغه الا المودة فی القربی

ابن ابی الحدید، می افزاید که پیامبر(ص) فرمود: حرمت الجنة علی من ظلم اهل بیته و آذانی فی

عترتی^{۷۷}.

شبلینجی شافعی در نورالابصار ص ۱۳ از ابوالحسن بن جبیر نقل می کند که :

احب النبی المصطفی وابن عمه علیا و سبطیه و فاطمه الزهرا

هم اهل بیت اذهب الرجس عنهم واطلعهم افق الهدی انجماً زهرا

موالاتهم فرض علی کل مسلم وحبهم اسنی الذخائر للأخری

وما انا للصحب الكرام بمبغض
فانى ارى البغضاء فى حقهم كفرا^{۷۸}
منسوب به امام محمد بن ادریس الشافعی است که می گفت:
يا راكباً قف بالمحصّب من منى
واهتف بساكن خيفها والناهض
سحرا اذا فاض الحجيج الى منى
فيضا للنتظم الفرات الفائض
ان كان رفضا حب آل محمد
فليشهد الثقلان انى رافضى
ابن صباغ مالکی در فصول المهمة، ص ۱۳ می گوید:
هم العروة الوثقى لمعتصم بها
مناقب فى شورى و سورة هل اتى
مناقبهم جائت بوحي و انزال
وفى سورة الاحزاب يعرفها التالى
وهم اهل بيت المصطفى فوداهم
على الناس مفروض يحكم واسجال

نتیجه بحث و رابطه آن با امامت و رهبری امت

در پایان این بحث می گوئیم که مصداق ذی القربی در قرآن و اهمیت فوق العاده یی که وحی و خدا و رسول به آن، به عنوان اجر رسالت داده است، مهمتراز آن است که در دوستی ساده خلاصه شود و یا آن را در باره ی مشرکان قریش که نسبت به پیامبر و دین او دشمن و الدخصام بودند، بدانیم!، و آنهمه احادیث را در تطبیق ذی القربی به اهل بیت آل محمد و عترت معصوم پیامبر(ص) و نقش آنان را در پاسداری از دین و سنت صحیح و انتقال آن به امت اسلامی، نادیده بگیریم و با يك جمله ی به مثل سند ضعیف مثل، یا به اسناد ضعیف! چون سیوطی و ابن کثیر، آنها رد کنیم . فلسفه ی عظیم ارجاع امت اسلام را به آنان پس از پیامبر(ص) کم رنگ جلوه دهیم.

تطبیق بر امامان معصوم:

منابع موثق شیعه علاوه بر تطبیق آیه بر آل محمد و اهل بیت چنان که گذشت با استناد به روایات صحیح آن را منطبق بر امامان معصوم (ع) می داند و در تفسیر فرات آمده است که ابن جبیر می گوید: علی بن الحسین(ع) که در پاسخ سؤال از «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» فرمود: هی قرابتنا اهل البيت من محمد(ص)^{۷۹}.

و هموطی چند روایت از ابن عباس از قول پیامبر (ص) نقل می کند که «قالوا یا رسول الله من قرابتك الذين افترض الله علينا مودتهم؟»

قال (ص) علی و فاطمه و ولدهما ثلاث مرات و در برخی او ولدها^{۸۰}.

کافی از عبدالله بن عجلان از ابی جعفر در باره ی مقصود آیه ی مزبور می پرسد و امام (ع) می فرماید:

هُمُ الْأَئِمَّةُ. آنان امامان معصوم اند^{۸۱}.

در تفسیر قمی نیز از محمد بن مسلم از امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از الامودة فی القربی فرمود:

فی اهل بیته^{۸۲}. یعنی مودت اهل بیت او (منظور اهل بیت عصمت و طهارت می باشد).

کلینی (ره) در کافی از امام صادق (ع) از ابن عباس و سعید بن جبیر نقل می کند که پس از نزول این آیه

از پیامبر (ص) پرسیدند که مودت ذی القربی که بر ما واجب شده است، چه کسانی هستند؟

فرمود: علی و فاطمه و ولداها، علی و فاطمه و دو پسرانش.

ولی طبری همین حدیث را نقل کرده است و به جای ولداها، کلمه ی ولدها یعنی فرزندان را آورده است^{۸۳}.

ابن ابی حاتم و ابن عباس در ذیل آیه ی «و من یقترف حسنه که بعد از آن آیه است می گوید: منظور از

کسب حسنه، همان مودت آل محمد (ص) است. امام حسن (ع) در خطابه یی به مردم گفت: که من از اهل

بیتی هستم که خداوند مودت آنان را بر هر مسلمانی واجب ساخته است و آیه ی مودت و من یقترف حسنه در

مودت ما اهل بیت و اصحاب کساء نازل شده است^{۸۴}.

مورد سؤال در قیامت

اهمیت آن به قدری است که پیامبر آن را اجر رسالت نامید که خداوند از آن در قیامت سؤال می کند.

پیامبر اسلام فرمود: ان الله جعل اجری علیکم المودة فی اهل بیتی وانی سائلکم غذا عنهم^{۸۵}.

خداوند مزد رسالتم را بر گردن شما نهاد و آن مودت و دوستی اهل بیتم می باشد و به درستی که

فردا (در روز قیامت) از آن می پرسم.

بسیاری از علمای عامه، آیه «وقفوهم انهم مسؤولون» را در باره ی سؤال در روز قیامت از ولایت علی

(ع) و محبت آن تفسیر کرده اند و از گفتار پیامبر بر آن استشهاد نموده اند.

ابن حجر در الصواعق المحرقة از دیلمی از ابو سعید خدری نقل می کند که پیامبر(ص) در ذیل این آیه فرمود:
وقفو هم انهم مسئولون عن ولايه علي (ع).

واحدی (در اسباب النزول) می گوید منظور از: «وقفوهم انهم مسئولون، سنوال از ولايه علي و اهل البيت است.

چون خداوند او را امر کرده است که به مردم بشناساند که مزد و رسالت نمی خواهد مگر مودة ذوی القربی را و معنای آیه انهم مسئولون آن است که از آنان بپرسد آیا حق موالات را آن چنان که پیامبر سفارش کرد، انجام داده اند یا آن را ضایع کرده اند و اهمال نموده اند.^{۸۷}

با توجه به احادیث یاد شده از منابع موثق شیعه و سنت. و با توجه به تطبیق آن به اهل بیت و آل محمد (ص) و عترت پیامبر و عنایتی که به آیه به عنوان مزد رسالت شده و آیه بی که این محبت و اجر را در منافع امت اسلامی قرار داده نه نفع شخص پیامبر. و تمسک به آنان موجب نجات است بخصوص با توجه به حدیث سفینه، و حدیث ثقلین، حقیقت دیگری ترسیم می یابد که رهبری امت و تداوم هدایت پیامبر و پاسداری از سنت و سنت آن حضرت نیز به عهده ی اهل بیت اوست و پیروی از آنان موجب نجات و حافظ وحدت و مانع از نفاق و تفرقه است چنان که در حدیث نبوی شریف آمده است که: النجوم امان لاهل الارض من الغرق و اهل بیته امان لامتی من الاختلاف فی الدین.^{۸۸}

همان گونه که ستارگان برای مردم باعث هدایت و مانع گمراهی و غرق شدن می باشند، اهل بیت نیز مانع اختلاف امت در دین هستند.

دست یابی به سنت صحیح

بنابر روایات یاد شده و اقوال علمای تفسیر و حدیث از شیعه و اهل سنت ذوی القربی به هر حال منطبق بر اقربای نزدیک پیامبر است خواه به طور خاص یا به معنای عام و حتی اگر منظور از آن فامیل نسبی پیامبر و قریش یا امت اسلامی گرفته شود، باز آل محمد یا اهل بیت نبی (ص) و عترت پیامبر و در واقع علی و فاطمه و حسن و حسین مصداق روشن و نزدیکتر ذی القربی و آل محمد (ص) می باشند چنان که فخر رازی^{۸۹} و دیگران گفته اند که اگر آل محمد را همان فامیل نسبی یا امت اسلامی و امت محمد (ص) بدانیم اهل بیت

محمد (ص) و آل محمد یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین بدون تردید داخل در مفهوم آل پیامبر هستند و شمول آیه بر آنان قطعی و مورد اتفاق است ولی شمول آن بر دیگران محل خلاف است.

بنابراین علی و فاطمه و فرزندان معصوم آنان از ذی القربی هستند و اکرام و محبت و مودت آنان بر همه مردم لازم است همچنین، مفهوم خاص آیه نیز نه تنها مصداق آن را اهل بیت پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین می داند، بلکه آن را تفسیر به ائمه معصومین، کرده است.

از طرف دیگر اهل بیت پیامبر(ص) بر اساس آیه ی تطهیر و اولوالامر چون از قداست و عصمت خاصی برخوردارند و از پلیدی و آلودگیها بدورند^{۸۸} و پیامبر در توصیه ویژه اش در حدیث ثقلین عترت و اهل بیت را تالی تلو قرآن و یکی از دو مرجع اخذ احکام و شریعت برای امت اسلامی قرار داده و تسك به قرآن و عترت را عامل نجات امت از ضلالت و گمراهی دانسته است.^{۹۰}

بنابراین دست یابی به معارف اسلامی و احکام و شریعت و سنت پیامبر(ص) بعد از قرآن، عترت و اهل بیت پیامبر(ص) و ذی القربی می باشند و این تنها راه یا یکی از راههای مطمئن و صحیح دست یابی به سنت پیامبر(ص) است و به فرض اگر از صحابه و دیگران مقدم نباشد، کمتر نیست زیرا برخی از آنان از صحابه و تابعین نیز هستند.

هرچند دست یابی به سنت از طریق صحابه و تابعین و ناقلان صحیح و مورد وثوق نیز بدون اشکال است زیرا سنت عبارت است از قول یا فعل و عمل یا تقریر پیامبر و معصوم... و این معمولا به صورت نقل سینه به سینه یا شفوی در آغاز و سپس بعد از حدود يك قرن به تدریج به صورت نوشته و کتابت در آمد^{۹۱}.

بنابراین از مآخذ و منابع مهم اخذ احکام، تنها قرآن به همان صورت مکتوب از اول موجود بوده است و می دانیم که آیات الاحکام در قرآن نیز محدود است پس بقیه احکام و معارف باید از سیره و سنت پیامبر گرفته شود. ناقلان این سنت یا از صحابه و نسل اول زمان پیامبر یا تابعان می باشند.

در میان صحابه علی بن ابیطالب یکی از برجسته ترین چهره های صحابه در میان فریق که به فضل و علم او همگی اعتراف دارند و او را باب علم النبی می دانند^{۹۲}. و از پیامبر تعبیر «اقضاکم علی» و افضلکم نقل شده است همان گونه که از امهات مومنین مخصوصا عایشه روایات در صحاح آمده است، فاطمه(س) مصداق ذی القربی به عنوان زنی که تمام عمرش را با پیامبر(ص) و علی(ع) سر کرده از سنت و سیره پیامبر اگر آگاهی

بیشتری نداشته باشد مسلماً از دیگران ناآگاه تر نیست پس علی و فاطمه به عنوان دو تن از بهترین ناقلان سنت - آنهم با سوابقی که در قرآن از آنان به یاد مانده است- محسوب می شوند.

حسن و حسین (ع) و سایر فرزندانشان از ائمه معصومین نیز به عنوان ناقلان سنت صحیح پیامبر(ص) می توانند پل ارتباطی بین نسلهای بعدی امت اسلامی با سیره و سنت صحیح پیامبر باشند در حالی که از صداقت و وثاقت و تقوا و عدالت ویژه برخوردارند و ما طبق قرآن و حدیث، به عصمت آنان معتقدیم.

با توجه به این مطالب، شیعه، ذی القربی و اهل بیت را نزدیکترین افراد به پیامبر(ص) و آدری بما فی البیت می داند و معتقد است که آنان سنت پیامبر را بهتر می شناسند و یکی از بهترین راه انتقال سنت صحیح پیامبر(ص) به امت اسلامی می باشند بخصوص در فاصله طولانی که با منع تدوین حدیث سنت نوشته نمی شد، بهتر از دیگران یا همانند يك صحابی و تابعی مورد وثوق و اعتماد می توانند سنت پیامبر و سیره عملی آن حضرت را به نسلهای بعدی منتقل سازند. به همین جهت و با توجه به توصیه های قرآن و ارجاع امت اسلامی توسط پیامبر(ص) به عترت و اهل بیت و عامل نجات خواندن آنان، شیعه از آنان همانند بسیاری از صحابه موثق اخذ سنت می کند.

البته با حفظ ضوابط ویژه ای که در کتب روایی و جوامع حدیثی و رجال و درایة الحدیث موجود است. علمای شیعه احادیث را در مراتب خاصی طبقه بندی و با معیارهای ویژه ای جرح و تعدیل می کنند و حدیث صحیح و غیر صحیح را مشخص می سازد^{۹۳}...

از آنجایی که شیعه آنان را معصوم و بدور از گناه و کذب، می داند و نظر و اقوال آنان برگرفته از سنت و اقوال پیامبر، اقوال آنان را معتبر دانسته و سنت می داند.

یعنی در کنار سنت پیامبر(ص) سنت ائمه معصومین و در کنار اقوال نبی، اقوال ائمه را نیز با ضوابطی معتبر می داند و برای آنها اعتبار خاصی قائل است پس سنت در میان شیعه مفهوم گسترده تری پیدا می کند. بهمین جهت مرحوم مفید متوفای ۴۱۳ هـ در کتاب تذکره اصول الفقه می گوید: ادله الاحکام ثلاثه الکتاب و السنه و اقوال الائم^{۹۴}.

امتیاز و اعتبار اقوال ائمه را می توان به اجمال چنین شمرد:

۱- نسل اول امامان شیعه هم مصداق اهل بیت آل محمد ذی القربی و عترت پیامبر هستند و مورد قبول

همه ی فرق می باشند.

- ۲- نسل اول امامان شیعه پیامبر را درک و از او اخذ علم و دانش و حدیث نموده اند و پیامبر علی را باب علم النبی خوانده است.
- ۳- آنان بطور مسلم یکی از صحابه عدول و مورد اعتماد هستند و بقیه امامان نیز از زبان آنان و از زبان پیامبر و وحی معرفی شده اند.
- ۴- امام در نزد شیعه از خطا و کذب معصوم است و این عصمت را با دلایل محکم و قوی اثبات می کند.
- ۵- اطاعت آنان به عنوان اولوالامر، در کنار اطاعت خدا و رسول، واجب و به عنوان مزد رسالت لازم و امر الزامی مطالبه شده است.

📖 پانوشتها:

- ۱- سوره روم، آیه ۳۸ و اسراء آیه ۲۶ و مائده آیه ۱۰۶ و توبه آیه ۱۱۳ و نور آیه ۲۲ و بقره آیه ۸۳ و ۱۷۷ و فاطر آیه ۱۸ و نساء آیه ۸ و انفال آیه ۴۱ و حشر آیه ۷.
- ۲- ابن منظور مصری، لسان العرب، ص ۲۶۲ و ۲۶۵- راغب در المفردات فی غریب القرآن ص ۳۹۸.
- ۳- زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۲۲۱ و ۲۲۰.
- ۴- ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا در مقاییس اللغه، ج ۵، ص ۸۰ و منابع لغتی دیگر.
- ۵- تحفه احوذی در شرح سنن ترمذی ج ۹، ص ۱۲۷.
- ۶- سوره های شعراء آیات ۱۴۵ و ۱۲۷ و ۱۰۹ و نیز آیات ۱۸۰ و ۱۶۴ و سوره سبا آیه ۴۷.
- ۷- سوره یوسف، آیه ۱۰۴.
- ۸- سوره های ص آیه ۸۴ و انعام، آیه ۹۰ و فرقان، آیه ۷۵.
- ۹- سوره سبا، آیه ۴۷.
- ۱۰- سوره شوری، آیه ۲۳.
- ۱۱- احوذی در شرح سنن ترمذی (ده جلدی، ج ۹، ص ۱۱۲۷).
- ۱۲- ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۰۰.
- ۱۳- جلال الدین سیوطی در الدر المنثور.
- ۱۴- جلال الدین سیوطی در الدر المنثور.
- ۱۵- زمخشری، در تفسیر الکشاف، ج ۳، ص ۴۶۸.
- ۱۶- طبری در ج ۲۵ تفسیر ص ۱۷، ۲۶.
- ۱۷- سوره دخان، آیه ۱۴ و قالوا معلم مجنون و سوره الذاریات، آیه ۳۹ و قال ساحر او مجنون و سوره قلم آیه ۵۱ و

يقولون انه لجنون.

۱۸- سوره صف، آیه ۶، سوره قمر آیه ۲، و ان يروا آیه يقولوا سحر مستمر و سوره شعرا ، آیه ۳۴ و سوره ص آیه ۴ ، ساحر كذاب.

۱۹- تاريخ طبري، ج ۲، ص ۳۳۷ و تحقيق ابوالفضل مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۵۵۳ ذيل سوره كافرون.

۲۰- تاريخ طبري، ج ۲، ص ۳۲۳ و ۳۲۴ چاپ بيروت تحقيق ابوالفضل....

۲۱- تاريخ طبري، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲۲- مدرك قبل.

۲۳- سوره توبه، مضمون آیه ۲۴ و آیه ۲۳ توبه.

۲۴- سوره توبه، آیه ۲۴ و آیه ۲۳.

۲۵- سوره شوري، آیه ۲۴.

۲۶- طبرسي، در ذيل آیه ۱۰- ۹ ص.

۲۷- سوره حشر، آیه ۹ الذين تجروا النار و الايمان من قبلهم يحبون من هاجر اليهم ولا يجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا و يؤثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة.

۲۸- شاعر عرب می گوید:

انما امهات الناس اوعية مستودعات و للانساب آهاز

شعر دیگری که پسران ما، فرزندان پسر ما هستند ولی فرزندان دخترانمان، پسران بیگانه و دور از نسب ما می باشند.

۲۹- برای اطلاع بیشتر به المعجم المفهرس لالفاظ حديث النبوي و الفديرة ج ۲، ص ۳۰۷ و و احقاق الحق ج ۳ و ۹ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۲ مراجعه شود.

۳۰- طبري در تفسيرش، ج ۲۵ ص ۱۵۱ و ۱۴.

۳۱- معجم الكبير ترجمه امام حسن به نقل احقاق الحق ج ۳، ص ۴.

۳۲- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۷.

۳۳- سيوطي و جلال الدين عبدالرحمن ج ۶، ص ۵.

۳۴- ابن كثير در تفسيرش ج ۴، ص ۱۰۲-۱۰۰.

۳۵- مدرك قبل.

۳۶- آلوسی در تفسير روح المعاني ج ۴، ص ۱۷۶.

۳۷- زمخشری در كشاف ج ۳، ۴۶۸.

۳۸- بيضاوی در انوارالتنزيل ج ۲، ص ۳۵۷ مناقب شیروانی، ص ۸۱.

۳۹- ابن حجر هیثمی الصواعق المحرقة ص ۱۶۴.

- ۴۰- تفسیر قرطبی ج ۸، به نقل از احقاق الحق ج ۳، ص ۲.
- ۴۱- مناقب ابن مغزلی و الغدیر ج ۲، ص ۳۰۷ از عربی.
- ۴۲- علامه طباطبائی محمد حسین در تفسیر المیزان ج ۱۸، ص ۵۳، چاپ تهران، اسلامیه، سال ۱۳۹۰هـ.
- ۴۳- همان مدرک.
- ۴۴- الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۷.
- ۴۵- سیوطی حافظ جلال الدین عبدالرحمن در تفسیر الدر المنثور ج ۶، چاپ مکتبه شعبیه بیروت.
- ۴۶- همان مدرک.
- ۴۷- همان مدرک
- ۴۸- همان مدرک
- ۴۹- همان مدرک
- ۵۰- همان مدرک
- ۵۱- همان مدرک
- ۵۲- سیوطی، جلال الدین در الدر المنثور ج ۶، ص ۷ و ۶. چاپ مکتبه شعبیه بیروت، طباطبائی در المیزان ج ۱۸، ص ۵۳ چاپ اسلامیه تهران سال ۱۳۹۰هـ.
- ۵۳- ابن عربی، در تفسیرش که منسوب به اوست.
- ۵۴- ابن عربی، در تفسیرش.
- ۵۵- سید قطب فی طلال القرآن.
- ۵۶- ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۰۱.
- ۵۷- همان مدرک، ص ۱۰۲.
- ۵۸- همان مدرک، ص ۱۰۲.
- ۵۹- تفسیر فخر رازی، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۶.
- ۶۰- همان مدرک ج ۲، ص ۱۶۶.
- ۶۱- ابن حجر هیشمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۳۶، ۱۰۱ و سمهودی در جواهر العقدين، طبری در مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۸ و ۲۹. علامه امینی، در الغدیر، ج ۲، ص ۳۰۸ علامه طباطبائی در المیزان، ج ۸، ص ۵۳.
- ۶۲- همان مدرک پیشین. سوره های از ۴۰ تا ۴۶ قرآن با حم = با حامیم شروع شده است در روایات و سخنان مفسران به سوره های آل حامیم = آل حم معروف است.
- ۶۳- همان مدرک پیشین.
- ۶۴- کلینی در کافی، ۵.

- ۶۵- مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۸-۲۹، چاپ رحلی، ده جلدی، تهران، ۱۳۹۰ ه. ق.
- ۶۶- محی الدین عربی، متوفای ۶۳۸ ه. در تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۳۲ تا ۴۳۴ چاپ دارالیقظة العربیة ابن تفسیر منسوب به اوست.
- ۶۷- همان مدرک.
- ۶۸- همان مدرک.
- ۶۹- همان مدرک.
- ۷۰- از کتاب اعتقادات صدوق به نقل از تصحیح الاعتقاد شیخ مفید.
- ۷۱- ابن عربی نیز آن را مستثنای منقطع دانسته است.
- ۷۲- مفید محمد بن نعمان العکبری در تصحیح الاعتقاد... مقالات و رسالات شماره ۳۶ نشر کنگره مفید، ۱۳۷۲ ه. ش، قم مقاله صائب عبدالحمید.
- ۷۳- سیوطی، در الدر المنثور، ج ۶، ص ۷ ابن کثیر در تفسیرش نیز آن را آورده است.
- ۷۴- طبرسی، در مجمع البیان، ج ۷، چاپ اسلامیة، ۱۳۷۴ ه. ق.، ص ۲۸-۲۹.
- ۷۵- کنجی شافعی در کفایة الطالب و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۳۱.
- ۷۶- ابن حجر هیثمی در الصواعق المحرقة، ص ۱۰۱ و المناقب شروانی، ص ۸۲ و ابن ابی الحدید، و الغدیر، ج ۲، ص ۳۱۱.
- ۷۷- مدرک قبل.
- ۷۸- علامه امینی در الغدیر، ج ۲، ص ۳۱۱ و اللؤلؤ البیضاء فی مناقب فاطمة الزهرا تألیف طالب خراسان، ص ۲۱۲ انتشارات انوار الهدی قم.
- ۷۹- فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیرش ص ۳۹۲ تحقیق محمد کاظم.
- ۸۰- همان مدرک، ص ۳۹۱ ۳۹۹.
- ۸۱- کلینی، محمد بن یعقوب در کافی.
- ۸۲- علی ابن ابراهیم قمی در تفسیر ذیل آیه به نقل از المیزان، ج ۱۸، ص ۵۳.
- ۸۳- المیزان، ج ۱۸، ص ۵۳ و سیوطی در ج ۷، ص ۷.
- ۸۴- طبرسی در مجمع البیان، ج ۷، چاپ رحلی اسلامیة تهران، ۱۳۷۴ ه. ص ۲۸-۲۹ و نیز سیوطی در الدر المنثور، ج ۶، ص ۷ و برسونی، اسماعیل حقی در روح البیان، ج ۸، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.
- ۸۵- طبری، محب الدین در الذخائر العقبی، ص ۲۵. ابن حجر هیثمی در الصواعق المحرقة ص ۱۰۲-۱۳۶.
- ۸۶- الصواعق المحرقة، ص ۸۹، الغدیر، ج ۲، ص ۲۱۰.
- ۸۷- حاکم نیشابوری، ج ۳، مستدرک ص ۱۴۹ از ابن عباس نقل می کند و می گوید هذا حدیث صحیح الاسناد.
- ۸۸- فخر رازی، در ج ۲۷ ذیل آیه.

- ۸۹- آیه تطهیر سوره احزاب، ۳۳.
- ۹۰- رك به حدیث ثقلین
- ۹۱- رك به تذكرة الحفاظ. جامع بیان العلم و السنه قبل التدوین از محمد عجاج الخطیب، اضواء علی السنة المحمدية، از محمود ابوریه و تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام به قلم نگارنده. ص ۴۹ به بعد... چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۹۲- مدرك قبل.
- ۹۳- رك به كتب علم الحديث در آیه مثل تذكره اصول الفقه و جیزة شیخ بهانی و اصول الفقه تالیف مظفر.
- ۹۴- تذكرة اصول الفقه مفید ج ۹، از مصنفات مفید چاپ در كنگره مفید، قم ص ۲۸ كنزالفوائد ابوالفتح كراچکی لاصول الفقه تالیف مظفر طبع دوم چاپ نجف، ج ۲، ص ۶۱.

فهرست منابع:

- ۱- القرآن الكرم
- ۲- المفردات فی غریب القرآن - راغب اصفهانی
- ۳- اللسان العرب- ابن منظور مصری
- ۴- تفسیر الكشاف- زمخشری
- ۵- مقایس الفقه - ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا و مطالعات فریبگی
- ۶- تحفة احوذی در سیره و سنن ترمذی ده جلدی موجود در مکتبه آیت اله مرعشی
- ۷- مجمع البیان- طبرسی
- ۸- تفسیر الکبیره- فخر رازی - دارالحیاء عربی بیروت لبنان
- ۹- تفسیر القرآن العظیم - ابن کثیر
- ۱۰- تفسیر القرآن- منسوب به محی الدین عربی چاپ داراللیقظه العربیه
- ۱۱- کافی- محمد بن یعقوب کلینی
- ۱۲- الجامع الصحیح- (ترمذی)
- ۱۳- مستدرک- حاکم نیشابوری ۳ جلدی قطع رحلی
- ۱۴- الدر المنثور- جلال الدین سیوطی چاپ مکتبه شعبه بیروت لبنان

- ۱۵- ذخائر العقبی- محب الدین طبری احمد بن عبدالله
- ۱۶- الصواعق المحرقة - ابن حجر هیثمی
- ۱۷- مقتل خوارزمی- موفق بن احمد مکی اخطب خوارزمی
- ۱۸- مناقب علی بن ابیطالب- شروانی چاپ جامعه مدرسین قم سال ۱۳۷۳ شمسی
- ۱۹- انوارالتنزیل- بیضاوی
- ۲۰- تفسیرالمیزان - نسفی
- ۲۱- الغدیر- علامه امینی
- ۲۲- احقاق الحق- علامه شهید شوشتری قاضی نورالله مکتبه آیت الله مرعشی
- ۲۳- تفسیر فرات- فرات ابی ابراهیم کوفی
- ۲۴- تفسیر طبری- محمد بن جریر طبری
- ۲۵- تفسیر الجامع لاحکام القرآن- قرطبی. ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری چاپ دارالفکر
- ۲۶- تاریخ طبری- محمد بن جریر طبری
- ۲۷- مناقب ابن مغزلی
- ۲۸- الاعتقادات- شیخ مفیدمحمد بن نعمان عکبری
- ۲۹- تصحیح الاعتقاد
- ۳۰- مقالات کنگره مفید- مقاله شماره ۳۶ (صائب عبدالحمید)
- ۳۱- تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام- علی اکبر حسینی چاپ انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران ۱۳۷۳
- ۳۲- تفسیر روح المعانی- آلوسی
- ۳۳- تفسیر روح البیان-
- کفایة الطالب فی مناقب علی ابن ابیطالب . ابو عبدالله محمد بن یوسف بن محمد القرشی کنجی شافعی
متوفای ۶۵۸هـ چاپ نجف ۱۳۵۱هـ اللؤلؤ البیضاء فی مناقب فاطمه الزهرا طالب خراسان انتشارات انوار
الهدی قم
اضوا علی سنته المحمدیه محمود ابوریه
السنته قبل التدوین محمد عجاج الخطیب

جامع بيان العلم قرطبي

تذکره الحفاظ ذهبي

ايعان الشيعه السيد محسن امين جبل عاملی دار التعارف للمطبوعات بيروت چاپ رحلی ۱۱ جلدی

المعجم المفهرس لالفاظ حديث النبوی ۷ جلدی رحلی بزرگ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی